

به نام خدا

داستان : زمین بیمار



نویسنده : سمیه گلستانه

مراقب سلامت ناحیه دو کرج

یکی بود یکی نبود غیر از خدای مهربون هیچ کس نبود. روزی از روزها صدای ناله ای در فضا پیچیده

بود، آی آی ، آخ ، آی بدنم درد می کنه تمام بدنم زخم شده خدایا تو چقدر مهربونی روزی که منو

آفریدی خیلی خوب و تمیز بودم شاداب و سالم بودم ! ولی این آدمای نا سپاس اصلا مراقب من نبودند

هر کاری دوست داشتن کردن بدون اینکه به من اهمیت بدن ! ای خدا تمام بدنم درد میکنه آنقدر این

آدمآ آشغال و زباله روی من ریختن که من آلوده ، مریض شدم حال و روزم این شد.

خورشید خانم صدای زمین رومی شنوه و میاد به طرف زمین ومی گه :

آهای زمین چی شده چرا ناله داری ؟ حرفهات رو شنیدم که با خدا میگفتی ؛ خوب چرا آدمآ تو رو

کثیف میکنن ؟ مگه اونا تو رو دوست ندارن !؟

اصلا فکر کردن اگه تو نباشی میخوان چیکار کنن !؟

زمین گفت: نمیدونم چرا این آدمآ بی فکرن هر جا که میرن تو بیابون، توخیابون، توکلاس و مدرسه، توی

دشت و صحرا، توی جنگل و دریا هر جا که میرن اونجارو پر از آشغال و زباله میکنن، زشت و آلوده

میکنن، اصلا فکر نمی کنن این قوطی و مشمع از بین نمیرن تو طبیعت می مونن .

خورشید خانم گفت: من خیلی ناراحت شدم ، زمین مهربون، تو اینقدر جاهای خوب و قشنگ داری

، طبیعت خیلی زیبای داری تعجب میکنم این آدمآ قدر تو رو

نمیدونن! بهتر نیست همشون رو از روی زمین بیرون کنی؟ زمین گفت: نه این خیلی بی رحمانه است، من همه ی آدمارو دوست دارم راضی به ناراحتی شون نیستم، ولی اونا منو دوست ندارن .

خورشید خانم گفت: نه زمین عزیز مگه میشه تورو با این همه طبیعت زیبایی که داری دوست نداشته باشن؛ اونا عاشق دریا هات، کوهها، جنگلها، دشت و صحرای تواندولی یه خورده بی فکرن؛ زمین عزیز من یک نظری دارم .

زمین گفت: نظرت رو بگو!

خورشید گفت: الان بچه های روی زمین دارن من و تو رو میبینن بیا همین جا از همشون قول بگیریم که دیگه از این به بعد مراقب تو باشن.

زمین گفت: خیلی فکر خوبی من هم موافقم.

خورشید خانم گفت: سلام بچه های گلم همه تون دست راست تون رو بذارید روسینه تون و دست چپ تون رو بگیرید بالا و هرچی من میگم تکرار کنید؛

مابه زمین مهربون قول می دهیم از این لحظه به بعد نه تو بیابون، نه تو خیابون، نه تو کلاس و مدرسه، نه تو کوه و دشت و صحرا، نه تو جنگل و تو دریا هیچ کجا آشغال نریزیم و با دقت تمام زباله های ترو خشک روهم جدا کنیم. زمین عزیز دوستت داریم.

